

پایگاه‌ها و تأسیسات دریایی بریتانیا در بنادر و جزایر خلیج فارس در قرن نوزدهم میلادی

مصطفی ملایی^۱

چکیده

آن قرار داشت. از اواخر قرن هجدهم تا اواسط قرن نوزدهم میلادی، سیاست بریتانیا در خلیج فارس تغییر آشکاری پیدا کرده و از جنبه اقتصادی و تجاری، به منافع سیاسی روی آورد. این منافع جدید در مورد حفظ حکومت هند انگلیس و منافع آن کشور در خلیج فارس بود. در این دوره، بریتانیا از راه‌های مختلف، مانند مبارزه با دزدی دریایی، تجارت برده، قاچاق اسلحه و حل و فصل اختلافات شیوخ خلیج فارس، در این منطقه دخالت میکرد و به هیچ قدرت دیگری اجازه نمیداد که منافی را در آنجا دنبال کند.

انگلستان در طی قرن نوزدهم میلادی با انعقاد قراردادهایی، شیخ‌نشینهای خلیج فارس را تحت حمایت خود قرار داد و در این مناطق حضور مستقیم یافت و با هرگونه اقدامی که از طرف قدرتهای دیگر بخصوص فرانسه، روسیه و عثمانی علیه منافع بریتانیا در خلیج فارس و هند صورت میگرفت، مقابله میکرد. این دولت در راستای اهداف مذکور و تسلط هر چه بیشتر بر منطقه خلیج فارس، اقدام به توسعه و ایجاد پایگاه‌ها و تأسیسات دریایی در جزایر و بنادر آن منطقه کرد. در ادامه به پاره‌یی از این پایگاه‌ها و تأسیسات یادشده اشاره خواهد شد:

بندر بوشهر

«بندر بوشهر جدیدالبناست و بنای تعمیر آن در اول دولت نادرشاه افشار شده...» (کازرونی، ۱۳۶۷: ۴۷). بر طبق این

در قرن^۱ نوزدهم میلادی، هندوستان بزرگترین و سودآورترین مستعمره بریتانیا بشمار میرفت. حفظ هندوستان، بدون در نظر گرفتن خلیج فارس برای انگلیسیها بسیار مشکل بود. در اختیار داشتن خلیج فارس، سدی برای جلوگیری از نفوذ قدرتهای بزرگ و رقبای اروپایی انگلیس در نواحی جنوب شرق آسیا و نیز محل مناسبی برای استقرار منافع اقتصادی، تجاری و نظامی آن دولت در آن مناطق محسوب میشد. نفوذ و سلطه انگلستان در قرن نوزدهم در منطقه خلیج فارس، مستلزم داشتن پایگاه‌ها و تأسیسات دریایی در بنادر و جزایر آن منطقه بود. در این مقاله سعی شده است با تکیه بر منابع کتابخانه‌یی و اسنادی به بررسی پایگاه‌ها و تأسیسات دریایی بریتانیا در قرن نوزدهم میلادی، در بنادر و جزایر خلیج فارس اشاره شود.

کلیدواژگان

خلیج فارس؛ بریتانیا؛ بنادر؛ جزایر؛ تأسیسات دریایی؛ قرن نوزدهم

مقدمه

از سال ۱۶۱۶ م تا اواخر قرن هجدهم میلادی، دخالت و نفوذ بریتانیا در خلیج فارس روی هم رفته، گرد محور تجارت و بازرگانی میچرخید و در انحصار کمپانی هند شرقی و کارگزاران

۱. دانشجوی دکترای ایرانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی (بنیاد ایرانشناسی)؛
m.s.mollai@gmail.com

نمایندهٔ مقیم بوشهر، وظیفهٔ سیاسی در پایتخت ایران را نیز بر عهده می‌گرفت. وظیفهٔ اصلی این نماینده، جلوگیری مداوم از دزدی دریایی و حفظ صلح در خلیج فارس و همچنین حفظ تجارت و بازرگانی دریایی انگلیس و هند در جنوب ایران بود (رایت، ۱۳۶۴: ۱۳۲؛ سند بایگانی وزارت امور خارجه، ۱۲۵۹هـ.ق: صندوق ۵، پوشهٔ ۲۲).

در سال ۱۸۱۰ م، نمایندگیهای تجاری در بوشهر، مسقط، بغداد و بصره در هم ادغام شدند و در سال ۱۸۲۲ م یک تجدید نظر کلی توسط انگلیس دربارهٔ پایگاه‌های خلیج فارس صورت گرفت و تمام تشکیلات زیر نظر نمایندهٔ سیاسی مقیم بوشهر واقع شد (هاولی، ۱۳۷۷: ۱۸). در سال ۱۸۶۴ م، اولین ادارهٔ پست انگلیسی و هندی در ساختمان نمایندگی مقیم بوشهر، تأسیس شد (لیتن، ۱۳۶۷: ۲۰۹، ۲۱۰). همچنین یک تشکیلات پستی نیمه‌عمومی میان بوشهر و داخل ایران برقرار شد که ادارهٔ آنها، تحت نظر مدیر کل پست بمبئی و بدون دخالت مأموران ایران بود (رایت، ۱۳۶۴: ۷۲ و ۲۷۱).

علاوه‌برین موارد، بندر بوشهر مرکز فرمانروایی انگلستان در خلیج فارس بود و مهمترین ایستگاه تلگراف هند و اروپا در آن مستقر شده بود. افزون بر آن شش بانک انگلیسی در بندر بوشهر وجود داشت (وادالا، ۱۳۶۵: ۷۰). حکومت هند نیز روی آبهای بوشهر، فانوسهای دریایی نصب کرده بود که مورد استفادهٔ کشتیهای بخاری قرار می‌گرفت (همان: ۷۰ و ۷۳).



ساختمان کنسولگری انگلستان در بوشهر در قرن نوزدهم میلادی؛ مأخذ: (مرکز اسناد ملی ایران، مدرک شمارهٔ ۳۱۰۶۰۵۲)

گفته، در زمان نادرشاه افشار، بندر بوشهر در اصل یک دهکدهٔ کوچک ماهیگیری بوده که وی آنجا را بعنوان بندر و مرکز کشتی‌سازی برای نیروی دریایی ایران در نظر گرفت (کرزن، ۱۳۷۳: ۲/۲۸۳).

در دوره‌های بعد، بتدریج بندر بوشهر رو به پیشرفت نهاد؛ شرکت هند شرقی انگلیس که در ابتدا مرکز تشکیلات آن بندرعباس بود، در سال ۱۷۶۳ م تشکیلات خود را به بوشهر انتقال داد. به هنگام عبور نیبور^۱ از بوشهر در سال ۱۷۶۵ م، فقط یک تاجر انگلیسی امور تجاری خلیج فارس را در این بندر برعهده داشت؛ اما بتدریج کار کشتیرانی تجاری در خلیج فارس رونق گرفت و کاروانها بسوی بوشهر در رفت و آمد بودند و بدین‌وسیله بوشهر وسعت و ترقی پیدا کرد (همانجا).



بندر بوشهر در زمان محمدشاه قاجار؛ مأخذ: (فلاندن، ۱۳۹۳)

پس از عقد قرارداد تجاری و سیاسی میان فتحعلی‌شاه و سرجان ملکم (سال ۱۸۰۰ م)، یک کارگزار بازرگانی توسط انگلیسیها در بوشهر منصوب شد. در سال ۱۸۰۲ م، یک نمایندهٔ سیاسی جایگزین او شد و از این به بعد نمایندهٔ سیاسی مقیم بوشهر به کلیه امور خلیج فارس و بندر آن رسیدگی میکرد (وادالا، ۱۳۶۵: ۶۹). همچنین تا قبل از استقرار یک هیئت دیپلماتیک دائم انگلیس در تهران، در مواقع لازم،

۱. کارستن نیبور (Carsten Niebuhr)، سیاح آلمانی، در قرن هجدهم میلادی به‌مراه گروه اعزامی از سوی فردریک پنجم، پادشاه دانمارک، بمنظور اکتشاف علمی، راهی کشورهای آسیایی شد. او پس از سفر به مصر و کشورهای عربی از گروه مذکور جدا و روانهٔ بمبئی شد. نیبور سپس از راه مسقط راهی شیراز و بوشهر شد. بعدها او حاصل گزارشها و یادداشتهای خود را از اوضاع سیاسی و اجتماعی و بناهای تاریخی آن منطقه، در سفرنامه خود گردآوری کرد.

ریشهر

انگلستان در آنجا تأسیس شد و تا سال ۱۸۴۲ م. خارک در تصرف انگلیسیها بود. سپس نیروهای ایرانی آنجا را بازپس گرفتند؛ اما در جریان جنگ ایران و انگلیس در سال ۱۸۵۶ م. دوباره توسط انگلیسیها اشغال شد. بعد از امضاء قرارداد پاریس در سال ۱۸۵۷ م. خارک از نیروهای انگلیس تخلیه شد (کرزن، ۱۳۷۳: ۴۸۷/۲). گفتنی است که در زمان جنگ، کنسولگری انگلیس بطور موقت از بوشهر به خارک منتقل شد.

... انگلیسیها برای حفظ منافع خود در طول سه دهه اخیر مجبور بوده‌اند در تمام جزایر و بنادر خلیج فارس، مانند بندر ریگ، خارک، کیش، رأس الخیمه، هنگام و غیره سرباز پیاده نمایند... (وادالا، ۱۳۶۵: ۷۵).

در خارک ساختمانی بنا شده بود که محل اقامت نماینده کمپانی هند شرقی و فرمانده قوای نظامی انگلیس بود. استراحتگاهی نیز برای نظامیان هندی مستقر در خارک تهیه شده بود. همچنین افسران انگلیسی در خانه‌های کوچک ایوان‌دار که بام آنها به سبک هندی گل‌اندود شده بود، اقامت داشتند و سربازان نیز در کلبه‌هایی که با خشت و نی ساخته شده بود، زندگی میکردند (دلدم، ۱۳۶۳: ۱۷۸، ۱۷۹).

بندرعباس

بعد از پیروزی نیروهای ایرانی و بیرون‌راندن نیروهای پرتغالی از جزایر ایرانی خلیج فارس، انگلیسیها اجازه یافتند در گمبرون (بندرعباس) شعبه‌یی ایجاد کرده و فعالیتهای بازرگانی خود را توسعه دهند. تا سال ۱۷۶۳ م. بندرعباس مهمترین مرکز فعالیتهای بازرگانی کمپانی هند شرقی در خلیج فارس محسوب میشد. برپایه اسناد از زمانی که دولت ایران این بندر را به حاکم مسقط اجازه داد، انگلیس با حمایت از حاکمان مسقط در امور بندرعباس و دیگر بنادر و جزایر اجازه داده شده، دخالت میکرد و مشکلاتی را برای دولت ایران بوجود می‌آورد.

امر [حکومت] بندرعباس با امام مسقط گذاشته شد. دولت ایران بدون مداخله و توسط احدی از مأمورین دول خارجه، بندرعباس و مضافات آن را در مدت معین، به مبلغ مشخص

ریشهر در شش میلی جنوب شهر بوشهر قرار دارد. در قرن شانزدهم میلادی، پرتغالیها در آنجا پایگاه تجاری تأسیس و قلعه‌یی هم در آن بنا کرده بودند. این قلعه در سال ۱۸۵۶ م. تعمیر شد و سپاه ایران در جنگ ایران و انگلیس (۱۸۵۶-۱۸۵۷ م.)، در برابر نیروهای مهاجم انگلیس از آن استفاده میکرد. در سال ۱۸۷۶ م. اداره تلگراف هند و اروپا تأسیسات خود را در آن مستقر و شش بنای زیبا، باشگاه، باغ و زمین تنیس هم در آن بنا کرد. اقامتگاه تابستانی نماینده انگلیس نیز در یک ساختمان وسیع که دارای باغ زیبایی بود، قرار داشت. ریشهر لنگرگاه مناسبی برای کشتیهای انگلیس بود و در طول قرن نوزدهم میلادی، پرچم انگلستان بالای ساختمان نمایندگی انگلیس برافراشته بود. بدین ترتیب ریشهر یکی از پایگاه‌های مهم دریایی انگلیس بشمار میرفت (کرزن، ۱۳۷۳: ۲۸۸/۲).

جزیره خارک

این جزیره کوچک در ۴۸ کیلومتری بوشهر در خلیج فارس واقع شده و در آب‌وهوای ناسالم این حدود، بهترین نقطه سالم و بندرگاه خوبی است و آب فراوان دارد. قوایی که اینجا را در تصرف داشته باشد به دهانه شط‌العرب یا محل تلاقی فرات و دجله مسلط است و طرفین، خلیج را در دست دارد (هانت، ۱۳۶۲: ۴۱ و ۴۲).

در سال ۱۸۰۹ م. سرجان ملکم پیشنهاد طرح اشغال این جزیره را در راستای تأمین مصالح انگلستان در خلیج فارس به حکومت هند داد؛ ولی مورد موافقت دولت انگلیس قرار نگرفت. ملکم علاقه سرشاری به تصرف جزیره‌یی در خلیج فارس داشت. او خارک و قشم را مناسبترین جزایر خلیج فارس میدانست. او بر این نظر بود که خارک برای اقامت نماینده مقیم مناسبتر از بوشهر است و این را طی نامه‌یی به نماینده مقیم نوشت (رایت، ۱۳۶۴: ۱۴۳).

در طی جنگ ایران و انگلیس (۱۸۵۷ م.)، جزیره خارک برای انگلیسیها اهمیت خاص یافت و سپاهیان انگلیس و هند آنجا را تصرف کردند. در سال ۱۸۳۸ م. مرکز نمایندگی

در بندرعباس هر جا که انگلیسیها مایل باشند، کارخانه تأسیس نمایند و مجازند تأسیسات خود را مستحکم سازند و در هر کجا که بخواهند، توپ نصب و چهل یا پنجاه نفر انگلیسی با هفتصد یا هشتصد سپاهی در آنجا اقامت نمایند... (کرزن، ۱۳۷۳: ۲/۵۰۹).

جاسک

جاسک در ۱۳۰ میلی بندرعباس واقع شده است. لرد کرزن، در قرن نوزدهم میلادی مینویسد: «... تا آنجا که من استنباط میکنم، اولین ایستگاه کمپانی هند شرقی در خاک ایران [جاسک] بوده است» (کرزن، ۱۳۷۳: ۲/۵۱۴).

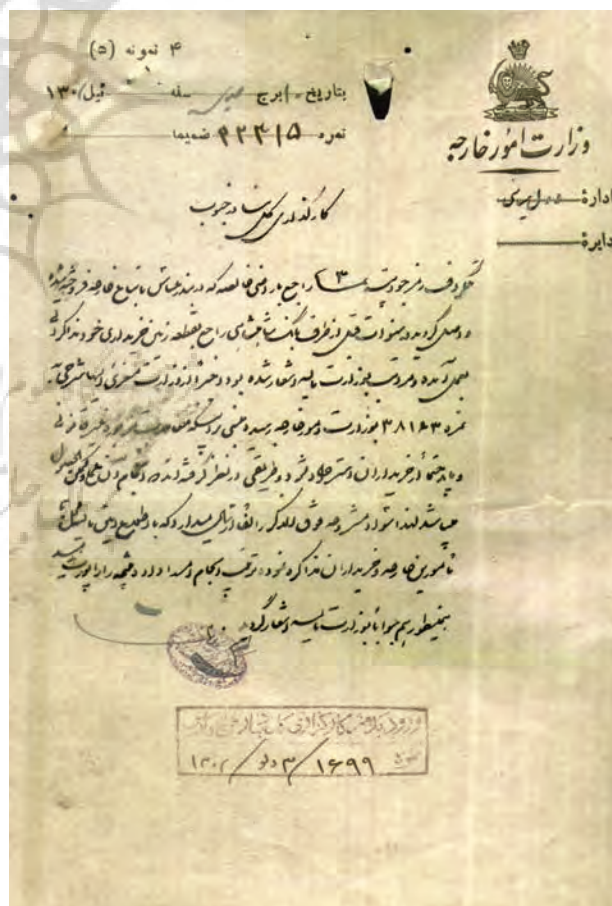
در سال ۱۶۱۶ م، به پیروی از توصیه ریچارد استیله که در سال ۱۶۱۵ م، به ایران سفر کرده بود، هیئت مدیره، یک فرزند کشتی به جاسک فرستاد تا ایستگاهی را در آنجا تهیه و تملک کند. در سال ۱۶۱۹ م، شرکت هند شرقی اولین کارگاه خود را در خاک ایران تأسیس و قلعه جاسک را برپا کرد (همانجا). بندر جاسک به این علت انتخاب شد که هم به تنگه هرمز نزدیک و هم دفاع از آن در مقابل حملات نیروهای پرتغالی آسانتر بود (الهی، ۱۳۶۸: ۶۷).

جاسک در قرن نوزدهم میلادی غیر از امور تجاری بدلیل دیگری نیز مورد توجه قرار گرفت؛ زیرا سیمهای زمینی و کابل دریایی اداره تلگراف هند و اروپا بین هندوستان و خلیج فارس از آنجا میگذشت و در سال ۱۸۶۹ م از گوادر به جاسک و هنگام انتقال یافته بود. در سال ۱۸۷۸ م، دولت بریتانیا برای حفاظت بیشتر از منافع خود در بندر جاسک، یک گارد نظامی کوچک را برای مراقبت از تأسیسات تلگراف مستقر و حکومت هند برای سکونت آنان یک سربازخانه احداث کرد. این زمانی بود که ایستگاه دریایی هند از بندر باسعیدوی قشم برچیده شد و به جاسک انتقال یافت. همچنین در سال ۱۸۹۶ م، یک قرنطینه پزشکی توسط انگلیسیها در جاسک مستقر شد. در سال ۱۸۹۸ م نیز بدلیل کشته شدن یک تلگرافچی انگلیسی در نزدیک جاسک، نیروهای مستقر در جاسک افزایش یافت و انگلیسیها سربازخانه‌های دیگری هم در جاسک ایجاد کرده و تا پایان دوره قاجار در آن بندر باقی ماندند.

به امام مسقط اجازه داده است... چیزی باقی نمانده است که دولت انگلیس در آن تصرف یا مداخله نماید (سند بایگانی وزارت امور خارجه: ۱۲۷۳ هـ.ق، صندوق ۸، پوشه ۲).

بندرعباس در طی قرن نوزدهم میلادی، یکی از بنادر تجاری مهم خلیج فارس بود و انگلیسیها در آنجا با خرید اراضی، کنسولگری، ایستگاه تلگراف، پایگاه نیروی دریایی (برای حفاظت از منافع آن کشور در بندرعباس)، تأسیسات تجاری، خطوط کشتیرانی و در مسیر خطوط مزبور چراغهای کوچک دریایی، علامات دریایی نورانی یا بی نور مواج روی آب و مشعلهای دریایی ایجاد کرده بودند (وادالا، ۱۳۶۵: ۷۳؛ مرکز اسناد ملی ایران، سند شماره ۳۲۸۶۹/۲۹۳).

لرد کرزن، سیاستمدار معروف انگلیسی، در کتاب *ایران و قضیه ایران* آورده است:



موقعیت بندرعباس در قرن نوزدهم میلادی؛ مأخذ: (مرکز اسناد ملی ایران، سند شماره ۳۲۸۶۹/۲۹۳)

و حدوداً تا پیش از سال ۱۸۶۲ م که این جزیره به بوشهر ملحق شد، ستاد نیروی دریایی هند در آنجا مستقر بود (هاولی، ۱۳۷۷: ۲۰۹ و ۲۱۰). انگلیسیها از سال ۱۸۲۳ م در آنجا تأسیسات دریایی بوجود آورده و تا سال ۱۸۸۳ م در آنجا مستقر بودند. مسئله باسعیو در سال ۱۸۷۸ م، یکی از مسائل قابل توجه انگلیس در خلیج فارس بود که آن را جزء دارایی خود بشمار می آورد. همین عامل باعث شد که حکومت هند توجه خاصی بدان منطقه داشته باشد (جناب، بی تا: ۳۷ و ۳۸ و ۷۹).

انگلیسیها در بندر باسعیوی قشم قبرستانی ایجاد کرده بودند که حدود بیست تن از مأموران آن دولت که در مأموریتهای خلیج فارس از دنیا رفته بودند، در آنجا مدفون شدند. همچنین آنها در باسعیو یک انبار زغال سنگ داشتند که به مصرف ناوگان آنها در خلیج فارس میرسید. انگلیسیها بدلیل وجود همین منافع بود که آن را جزء دارایی خود قلمداد میکردند و بنابراین نیرویی را برای حفاظت از این منافع در این بندر مستقر کرده بودند. در مقابل محل سکونت سربازان، دکلی برپا بود که هر وقت ناوگانهای انگلیسی به آنجا میرفتند، سربازان پرچم انگلیس را به علامت احترام برمی افراشتند (میریان، ۱۳۵۳: ۴۹۹). بنا به روایت اسناد و منابع، دولت بریتانیا نیروهای خود را در باسعیو مستقر ساخت تا هم به مناطق دیگر خلیج فارس دست اندازی کند و هم منافع خود را در این خلیج حفظ کند (سند بایگانی وزارت امور خارجه، ۱۲۷۳ هـ.ق: صندوق ۸، پوشه ۲۵؛ کازرونی، ۱۳۶۷: ۱۳۳).

سرانجام در سال ۱۹۱۱ م، نیروی دریایی سلطنتی انگلستان، انبار زغال سنگ خود را از باسعیو به جزیره هنگام منتقل کرد و دولت انگلیس به اجبار از علایق خود در جزیره قشم و بندر باسعیو دست کشیده و مقر ناوگان خود را بعد از چهل سال از آنجا برچید (رایت، ۱۳۶۴: ۱۳۹).

مسقط

مسقط، پایتخت کنونی سلطان نشین عمان و قدیمی ترین مستعمره بریتانیا در شبه جزیره عربستان است. در سال ۱۸۰۰ م، سرجان ملکم در سفر اول خود به ایران، بین راه هند به ایران

در بندر جاسک علاوه بر تأسیسات تجاری و تلگرافی و قرنطینه پزشکی، ساختمان زیبایی نیز برای استقرار نماینده شرکت هند شرقی و عمارت تلگرافخانه ساخته شده بود و در کنار قرارگاههای امپراتوری بریتانیا، باشگاهی کوچک با زمین تنیس و زمینهای چمنکاری شده، وجود داشت (رایت، ۱۳۶۴: ۲۶۹).

عمارت تلگرافخانه و منزل نماینده کمپانی هند شرقی، مانند واحد سبز و خرم در میان بیابان سوزان جاسک، چشم و دل هر مسافری را روشن میکند. درختهای شاداب، جوی آب شیرین، میدان تنیس، چراغ برق و تلگراف و انواع وسایل آسایش در آن محوطه وجود دارد (میریان، ۱۳۵۳: ۵۴۳).

قشم و بندر باسعیوی قشم

قشم بزرگترین جزیره خلیج فارس است. «جزیره مذکور در جنب غربی هورموز [هرمز] واقع است... جمیع بنادر واقعه در کنار عمان متصله به بر فارس، بندری به آبادی قشم به نظر نیامده و در آن عمارات عالیه و ابنیه متعارفه برافراخته...» (کازرونی، ۱۳۶۷: ۱۲۹).

بعد از سرکوب دزدان دریایی در سال ۱۸۲۰ م، حکومت بمبئی بدون در نظر گرفتن حقوق ایران تصمیم گرفت، ۱۲۰۰ نفر از سربازان انگلیسی و هندی را که در رأس الخیمه مستقر شده بودند، به جزیره قشم انتقال دهد. دولت ایران ضمن اعتراض به این اقدام، خواستار تخلیه نیروهای انگلیسی از جزیره قشم شد. درخواست ایران بدون پاسخ ماند؛ اما سه سال بعد از آن بدلیل بدی آب و هوا و شیوع بیماریهای مختلف، نیروهای انگلیسی این قرارگاه را تخلیه کردند. بدین ترتیب اندیشه ایجاد یک پایگاه دائمی در تنگه هرمز، برای انگلیسیها مردود اعلام شد. نیروهای انگلیسی و هندی بعد از قشم به جزیره هنگام فرستاده شدند (رایت، ۱۳۶۴: ۱۳۷؛ وادالا، ۱۳۶۵: ۷۲).

با بروز مشکلاتی در قشم، انگلیسیها و حکومت هند بندر باسعیوی قشم را مناسب دیدند و تشکیلات خود را به آنجا منتقل کردند. باسعیو یا باسیدو در ضلع غربی جزیره قشم و روبروی بندر لنگه در ساحل ایرانی خلیج فارس قرار گرفته است

لرد کرزن مینویسد:

چنین استنباط نموده‌ام که سیادت بریتانیا در مسقط نیک استوار است و رژیم مطلوبی محسوب می‌شود، به راستی عمان را میتوان تابع انگلستان بشمار آورد، ما به سلطان آنجا کمک مالی و سیاست او را تعیین می‌کنیم و نباید هیچ‌گونه دخالت خارجی را تحمل نماییم... مالکیت ما بارز و محرز و پرچم بریتانیا بر فراز برج و بناهای مسقط در اهتزاز خواهد بود (کرزن، ۱۳۷۳: ۲/۵۳۱).

نفوذ انگلیسیها در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی، شیوه زندگی در عمان و خلیج فارس را دگرگون کرد. در واقع از سال ۱۸۶۰م که رفت‌وآمد انگلیسیها در کشورهای حاشیه خلیج فارس زیادتیر و خطوط تلگراف هند و اروپا احداث شد، نفوذ انگلیسیها نیز در خلیج فارس و عمان گسترده‌تر شد. از سال ۱۸۶۲م که بریتانیا، عمان را تحت‌الحمایه خویش درآورد تا سال ۱۸۸۸م که سید فیصل با انعقاد یک پیمان جدید دوستی و تجارتي از طرف خویش و وارث خود قول داد که خاک خود را به هیچ قدرت غیر بریتانیا واگذار نکند، امامان مسقط حکومت مطلوبی برای دولت انگلیس بودند و تا زمان استقلال عمان، انگلستان، این کشور را تحت سلطه خویش داشت. بدین ترتیب دولت بریتانیا یک پایگاه عمده نیروی دریایی را در عمان ایجاد کرد و تا قرن بیستم هم به اقامت خود در آنجا ادامه داد. علاوه برین، مسقط دارای ایستگاه تلگراف هند و اروپا نیز بود و بازرگانی انگلیس تمام امور صادرات و واردات آنجا را در انحصار خود داشت.

هنگام

جزیره هنگام، در جنوب جزیره قشم، از جزیره‌های ایران در خلیج فارس است که با آبادهای کوچک خود، حدود پنجاه کیلومتر مربع وسعت دارد. آغاز نفوذ انگلیسیها در این جزیره، به قرن نوزدهم میلادی باز میگردد. در سال ۱۸۶۸م، انگلیسیها در جزیره هنگام، قرارداد احداث کابل زیردریایی تلگراف را با دولت ایران منعقد کردند. این ایستگاه، در سال ۱۸۸۰م، تعطیل و دوباره در سال ۱۹۰۰م بازگشایی شد. هنگام، لنگرگاه‌های بسیار خوبی برای ناوهای بزرگ داشت. همچنین این جزیره از لحاظ زمین‌شناسی و معادن

در مسقط توقف و عهدنامه‌یی را با سلطان مسقط امضاء کرد. بر طبق یکی از مواد آن، نماینده شرکت هند شرقی در مسقط مستقر شد. در این عهدنامه آمده بود که سوء تفاهم موجود بین مسقط و شرکت هند شرقی برطرف شده است و امیر برای جلوگیری از تکرار این سوء تفاهمها در آینده، با تأسیس اقامتگاه نماینده سیاسی شرکت در مسقط موافقت میکند. بدین ترتیب عمان نخستین دولت عرب بود که نمایندگان سیاسی بریتانیا در آنجا مستقر شدند (الهی، ۱۳۶۸: ۶۷؛ لوتسکی، ۱۳۵۴: ۵۲۵). به موجب این معاهده، نماینده سیاسی انگلستان همواره نفوذ قاطعی در دربار سلطان مسقط اعمال میکرد (کرزن، ۱۳۷۳: ۲/۵۲۲). دولت انگلیس از طریق انعقاد قراردادهای مختلف، مانند جلوگیری از تجارت برده و میانجیگری در جنگهای خانوادگی مسقط و دیگر شیوخ، این سرزمین را محل مناسبی برای اعمال قدرت در خلیج فارس تشخیص داده بود.

بنا به روایت اسناد از این پس انگلیسیها با تحریک امامان مسقط، سعی در دخالت در امور دریایی و بنادر ایران داشتند؛ بطوری که سعیدخان، امام مسقط که در سال ۱۲۷۱هـ.ق، جانشین پدر شده بود، به تحریک انگلیسیها به ادعای حکومت بندرعباس و قشم برخاست.

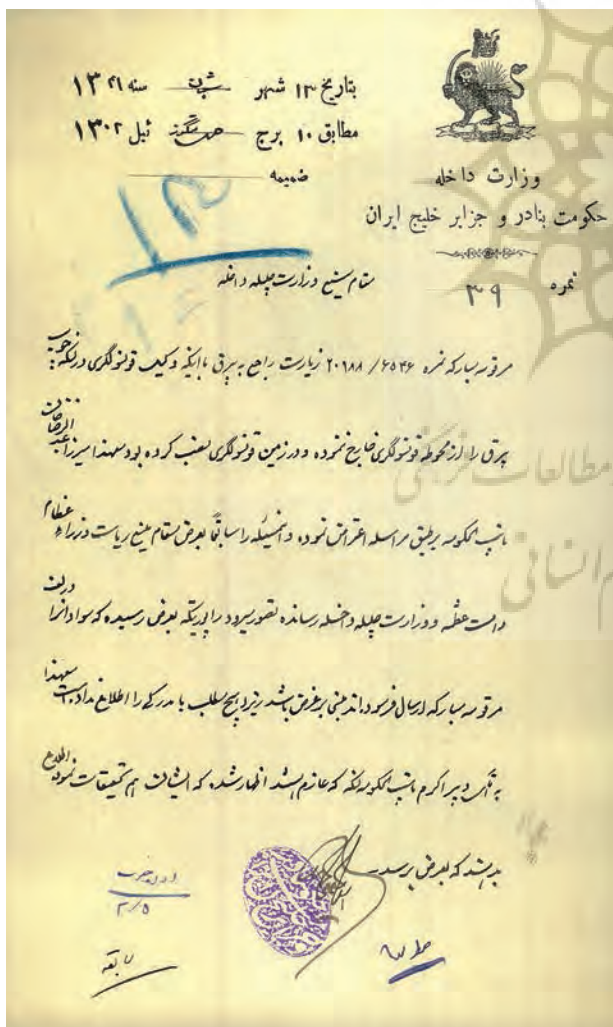
... از قرار مذکور سواحل اطراف بسیار مغشوش است، بخصوص از حد کویت الی مسقط اعراب بدوی با یکدیگر نزاع میکنند، آدم بسیار به قتل رسیده است... امام مسقط قشون و استعداد حرب مهیا نموده، به زنگبار رفته و جهازات انگلیس همراه او رفته‌اند. در ظاهر از رفتن به زنگبار منع نماید... در ظاهر اسمش را دوستی گذارده‌اند، در باطن البته هزار خیال در ذهن داشته‌اند... عجب است که انگریز [انگلیس] چرا حمایت مینماید، معلوم است که انگریز اینان را اغوا کرده و مدعی خود آنان است (سند بایگانی وزارت امور خارجه، ۱۲۷۳هـ.ق، صندوق ۸، پوشه ۳۵؛ کرزن، ۱۳۷۳: ۲/۵۲۲).

در جریان مبارزه با دزدان دریایی و تجارت برده، حکومت بمبئی از ورود به صحنه در گیریهای خلیج فارس، چندان دلخوش نبود و ترجیح میداد که مسقط را حمایت کند تا از این راه امام مسقط، بتواند منافع انگلیس و حکومت هند را تأمین کند.

در این بندر فعال بودند. دولت انگلستان یک نماینده محلی را، بعنوان حافظ منافع این کشور در آنجا بکار گمارده بود. لرد کرزن در این مورد میگوید:

انگلستان در لنگه نماینده محلی دارد که پیرمرد عرب خوش وضع و حالی بود و با قایقی که بیریق انگلیس داشت به استقبال آمد. او و فرزندانش که با کشتیهای انگلیسی و افسران آنها رفت و آمد دارند، کمی به زبان ما آشنا شده‌اند (کرزن، ۱۳۷۳: ۴۹۳/۲).

این بندر در قرن نوزدهم میلادی، چندین بار، مورد استفاده دزدان دریایی قواسم قرار گرفت و نیروهای دریایی انگلیس و حکومت هند آنجا را مورد هجوم خود قرار داده و گلوله باران میکردند (دلدم، ۱۳۶۳: ۱۳۶).



مرکز اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۹/۱۴۳۹

نیز دارای وضع ممتازی بود. در سال ۱۸۰۰م. سرجان ملکم طی پیشنهادی به لردولزی فرمانفرمای هند، هنگام را محل مناسبی برای تأسیس پایگاه دریایی انگلیس تشخیص دادند. (همان: ۴۹۷). بهر حال این جزیره، جزئی از قلمرو ایران بود؛ ولی حکومت هند مدام در امور آن دخالت میکرد.

گوادر

خلیج گواتر، نام خلیج به نسبت کوچکی در طول ساحل مکران در دریای عمان است. این خلیج در منتهی الیه جنوب شرقی ایران و جنوب غربی پاکستان واقع شده است.

خلیج گوادر در قرن نوزدهم میلادی، بعلت نزدیکی به هند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. گوادر برای مدتی، «یکی از مطلوب ترین ایستگاه‌های تلگراف و شفاخانه بنادر خلیج» نام داشت و به همین دلیل نمایندگی سیاسی بریتانیا نیز در آنجا مستقر بود؛ ولی بعلت بدی آب و هوا از اقامت همیشگی در آنجا صرف نظر کرد و از این به بعد انجام امور سیاسی این منطقه را مأمور سیار انجام میداد (همان: ۲/۵۱۸). علاوه بر مشکل آب و هوا، تعمیر و آماده ساختن بندر در گوادر، مستلزم هزینه هنگفتی بود؛ چرا که سواحل آن کم عمق بود و میبایستی بنادر در مسافتی حدود پنج کیلومتر دورتر از ساحل ایجاد شوند تا کشتیها با ظرفیت متوسط بتوانند در آنجا پهلو بگیرند.

بندر لنگه

بنا به گفته محمد ابراهیم کازرونی، وقایع نگار دوران محمد شاه قاجار:

بندر لنگه عروس بنادر است. بندری است در نهایت آبادانی از همه بنادر واقعه در کنار عمان آبادتر و معمورتر است و در آن بندر معادل پنج هزار خانوار از اعیان و تجار اعراب بامکنت صاحب سفاین و به معاملات عمان و یمن و هندوستان همواره در کارند... (کازرونی، ۱۳۶۷: ۱۱۵ و ۱۱۶).

لنگه، عمده ترین بندر ولایت لارستان بود که از دیرباز با بحرین و سواحل عربستان داد و ستد تجاری داشت. نمایندگان تجاری بریتانیا، بخصوص در قرن نوزدهم میلادی،

دریایی، نفوذ بیشتری در بنادر و جزایر خلیج فارس پیدا کرده، به دخالت در امور شیخ‌نشینها پرداختند. انگلستان پس از عقد قراردادهای سال ۱۸۲۰ و ۱۸۶۱ م. با شیوخ بحرین، اجازه یافت که در صورت وقوع هرگونه تجاوز خارجی به بحرین، درصدد حمایت از آنها برآید و همهٔ اتباع انگلیس با این جزیره حق تجارت داشته باشند. سرانجام در سال ۱۹۱۴ م، بحرین به کلی تحت الحمایگی دولت انگلستان را پذیرفت (کرزن، ۱۳۷۳: ۵۴۷/۲؛ الهی، ۱۳۶۸: ۲۰۲).

مذاکرات بازرگانی، دریایی و مالی در همهٔ بنادر مهم و اصلی خلیج فارس وجود دارد. در بحرین نیز مانند تمام بنادر بزرگ خلیج فارس، انگلیسیها دارای ایستگاه تلگراف، تجارتخانه، ساختمان گمرک، پایگاه دریایی و پستخانه است. همچنین در این جزیره، «یک کنسول انگلیسی اقامت دارد که رابط تشکیلات سیاسی هندوستان است. این کنسولان هیچ چیز کسر ندارند: پول، اعضا، سربازان، پزشکان، کشتیهای سریع السیر و غیره...» (وادالا، ۱۳۶۵: ۷۳).

حکومت هندوستان نیز در بحرین برای کمک به کشتیهای بخاری که بیشتر به انگلیسیان تعلق دارند، در مسیر خطوط کشتیرانی، نشانه‌ها و فانوسهای پلیسی دریایی ایجاد کرده است (وادالا، ۱۳۶۵: ۷۳، ۱۰۷؛ لیتن، ۱۳۶۷: ۸۰ و ۸۱).

از دیگر جزایر منطقهٔ خلیج فارس که از لحاظ دستیابی به هند و ارتباط دریایی منظم با بنادر خلیج فارس از اهمیت خاصی برخوردار بوده و دولت بریتانیا را ملزم به ایجاد پایگاه‌ها و تاسیسات دریایی در آن بنادر و جزایر کرده بود، باید به جزیرهٔ بصره و شبه جزیرهٔ فاو اشاره کرد که خارج از حوزهٔ بحث این تحقیق است.

نتیجه‌گیری

تمام تلاش انگلستان محافظت از مستعمرهٔ خود، هندوستان بود. خلیج فارس، بعنوان دروازهٔ ورود به هند، سدی برای جلوگیری از نفوذ رقبای اروپایی انگلیس در منطقه بشمار میرفت. در مرحلهٔ بعد هدف انگلیس نفوذ از راه خلیج فارس به سایر نقاط آسیا و گسترش تجارت و بازرگانی

تا سال ۱۸۷۴ م. بندر لنگه، بصورت حاکم‌نشین قبایل عرب که از طرف دولت قاجار آنجا را در اجاره داشتند، اداره میشد. انگلیسیها نیز با نفوذی که در حاکمان مسقط داشتند، برای بندرلنگه و حاکمیت ایران بر آن بندر مشکلاتی را بوجود می‌آوردند (مرکز اسناد ملی ایران، سند شمارهٔ ۱۴۳۹/۲۹).

در سال ۱۸۸۹ م، ایرانیها باخبر شدند که یک نفر عرب از خانوادهٔ حاکم پیشین بندرلنگه در سواحل متصالح زندگی میکند و درصدد جمع‌آوری قوا و حمله به لنگه است؛ اما این حادثه واقعیت نداشت؛ چرا که بعدها معلوم شد، او هیچ خیال و نقشه‌یی برای تصرف لنگه نداشته است؛ بلکه انگلیسیها با ایجاد تفرقه میان حاکمان محلی خلیج، درصدد بر آمده بودند که نفوذ سیاسی و تجاری خود را در منطقه بیشتر کرده و دولت ایران را ضعیف و شیوخ خلیج را تحت الحمایهٔ خود قرار دهند (الهی، ۱۳۶۸: ۷۰).

بریتانیا در بندر لنگه علاوه بر ایستگاه تلگراف و تجارتخانه دارای ساختمان گمرک، پایگاه دریایی و پستخانه نیز بوده است.

بحرین

«جزیره بحرین محاذات بندر طاهری و بندر عسلو واقع است...» (کازرونی، ۱۳۶۷: ۸۲).

بخش اعظم این جزیره غیرقابل کشت و فاقد آبند. ساکنان تازی آنها به صیادی، دادوستد مروارید که بی‌نهایت قابل توجه است، اشتغال دارند. در آنجا درخت خرما، یونجه، چند نوع میوهٔ نامرغوب، سبزیجات و صیفی کاشته میشوند... (وادالا، ۱۳۶۵: ۱۰).

این کشور از دیرباز متعلق به ایران بود. در زمان صفویه این جزیره که تحت تصرف ملوک هرمز، سلسله‌یی ایرانی در خلیج فارس بود، به تصرف شاه‌عباس درآمد. در هنگام انحطاط دولت صفوی، مدتی سپاهیان امیر مسقط بر این جزیره مسلط شدند؛ ولی نادرشاه افشار در سال ۱۷۳۶ م، بار دیگر بر این جزیره دست یافت.

همزمان با دورهٔ قاجار، انگلیسیها به بهانهٔ مبارزه با دزدان

تحت‌الحمايگی، ترجمهٔ مریم میراحمدی، تهران: معین، ۱۳۶۷.

- میریان، عباس؛ *جغرافیای تاریخی خلیج و دریای پارس*، خرمشهر: کتابفروشی میریان، ۱۳۵۳.

- وادالا. ر؛ *خلیج فارس در عصر استعمار*، ترجمهٔ شفیع جوادی، تهران: کتاب سحاب، ۱۳۶۵.

- هانت، جورج هنری؛ *جنگ ایران و انگلیس*، ترجمهٔ حسین سعادت نوری، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۲.

- هاولی، دونالد؛ *دریای پارس و سرزمینهای سواحل متصالح*، ترجمهٔ حسن زنگنه، قم: مؤسسه فرهنگی همسایه، ۱۳۷۷.

خود در ممالک مشرق زمین بود. در همین راستا بریتانیا برای حفظ مستعمرات آسیایی خود، سعی کرد با ایجاد پایگاه‌ها و تأسیسات دریایی، راه‌اندازی ایستگاه‌های تلگراف و خطوط کشتیرانی و استقرار نمایندگی سیاسی در جزایر و بنادر خلیج فارس، تسلط و نفوذ سیاسی، نظامی و تجاری خود را در این بنادر و جزایر، گسترش داده، بتدریج برخی از آنها را تحت‌الحمايیهٔ خود قرار دهد. بدین ترتیب حضور انگلستان در خلیج فارس بدلیل ایجاد زمینه‌های حضور ماندگار تا سال ۱۹۷۱ م، بطور رسمی دنبال شد و تا پایان دههٔ ۱۹۶۰ م، مسئولیت اصلی حفظ و امنیت در خلیج فارس همچنان برعهدهٔ انگلیس بود.

منابع کتاب

- سند**
- الهی، همایون؛ *خلیج فارس و مسائل آن*، تهران: اندیشه، ۱۳۶۸.
- جناب، محمدعلی؛ *خلیج فارس: نفوذ بیگانگان و رویدادهای سیاسی ۱۸۷۵-۱۹۰۰ م*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، بی‌تا.
- دلد، اسکندر؛ *سلطه جویان و استعمارگران در خلیج فارس*، تهران: نوین، ۱۳۶۳.
- رایت، دنیس، *نقش انگلیس در ایران*، ترجمهٔ فرامرز فرامرزی، تهران: فرخی، ۱۳۶۱.
- رایت، دنیس؛ *انگلیسیها در میان ایرانیان*، ترجمهٔ اسکندر دلد، تهران: نهال، ۱۳۶۴.
- فلاندن، ژان پاتیست اوژن؛ *سفر به ایران (تصویری از ایران دوران قاجار)*، اصفهان: مانا، ۱۳۹۳.
- کازرونی، محمد ابراهیم؛ *تاریخ بنادر و جزایر خلیج فارس*، به تصحیح منوچهر ستوده، تهران: مؤسسه فرهنگی جهانگیری، ۱۳۶۷.
- کرزن، جرج ناتانیل؛ *ایران و قضیه ایران*، جلد دوم، ترجمهٔ غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
- لوتسکی، ولادیمیر؛ *تاریخ عرب در قرون جدید*، ترجمهٔ پرویز بابایی، تهران: چاپار، ۱۳۵۴.
- لیتن، ویلهلم؛ *ایران از نفوذ مسالمت‌آمیز تا*
- اسناد بایگانی وزارت امور خارجه: ۱۲۷۳ هـ.ق، صندوق ۸، پوشه ۲.
- اسناد بایگانی وزارت امور خارجه، ۱۲۷۳ هـ.ق: صندوق ۸، پوشه ۳۵.
- سند بایگانی وزارت امور خارجه، ۱۲۵۹ هـ.ق: صندوق ۵، پوشه ۲۲.
- مرکز اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۹۳/۳۲۸۶۹
- مرکز اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۹/۱۴۳۹
- مرکز اسناد ملی ایران، مدرک شماره ۳۱۰۶۰۵۲